



A Critical Examination of the Views of Fakhr al-Rāzī, Tha‘labī, and Meyboudi on the Verse Concerning Human Will's Dependence on Divine Volition (al-Takwir: 29) Based on Exegetical Traditions

Hadi Razaghi Harekandehe¹

Abstract

The question of free will and its relationship to divine volition represents one of the most significant theological and exegetical debates in Islamic thought. Within this discourse, two extreme positions - determinism (jabr) and absolute libertarianism (tafwīḍ) - have emerged as polarizing readings concerning the relationship between human will and divine volition. Verse 29 of Sūrat al-Takwīr ("And you do not will except that God, the Lord of the worlds, wills") is among those verses that, due to its interpretive capacities, has given rise to various interpretations in this regard. Certain exegetes, including Tha‘labī, Meyboudi, and Fakhr al-Rāzī, emphasizing the dependence of human will upon divine volition, have advanced interpretations that in some formulations tend toward determinist readings. In contrast, a meticulous analysis of the verse's indicatory meaning (dalālah), its context (siyāq), and the collective Quranic teachings concerning human agency and responsibility demonstrates that the purport of the verse can be understood as negating human independence from God without, however, negating human free will and accountability. The present study, employing a descriptive-analytical method and drawing upon Quranic verses, exegetical traditions (riwāyat), and a critical examination of the interpretive perspectives of Tha‘labī, Meyboudi, and Fakhr al-Rāzī, undertakes a critical analysis of the interpretations surrounding this verse. The findings of this research indicate that the exegetical traditions pertaining to the verse fundamentally support the dependence of human will on divine volition and negate absolute libertarianism (tafwīḍ). However, transforming this meaning into a denial of human free will requires further argumentation. According to the doctrine of al-amr bayn al-amrayn (the position between the two extremes), human will is realized subordinately to divine will and within the framework of His volition. Accordingly, human beings remain free and responsible for their actions, while their power and agency are ultimately dependent upon divine grace and volition.

Keywords: al-Takwir/29, Divine Volition (Mashī‘ah), Human Will, Determinism and Free Will, Exegetical Traditions.

Citation: Razaghi Harekandehe, H. (2026). "A Critical Examination of the Views of Fakhr al-Rāzī, Tha‘labī, and Meyboudi on the Verse Concerning Human Will's Dependence on Divine Volition (al-Takwir: 29) Based on Exegetical Traditions". *Hadith-based Qur'anic Research*, 2 (2), 75-89. (In Persian)

* Received: 2026/02/24, Revised: 2026/05/02, Accepted: 2026/05/24.

1. Associate Professor, Department of Islamic Teachings, Babol Noshirvani University of Technology, Babol, Iran. Email: Razaghi@nit.ac.ir.





نقد و بررسی آراء فخر رازی، ثعلبی و میبدی درباره آیه تعلق خواست انسان به مشیت الهی (تکویر: ۲۹) بر اساس روایات تفسیری

هادی رزاقی هریکندهئی^۱ 

چکیده

مسئله اختیار و نسبت آن با اراده الهی، از مهم‌ترین مباحث کلامی و تفسیری در اندیشه اسلامی است. در این میان، دو رویکرد جبر و تفویض، به عنوان دو قرائت افراطی از نسبت اراده انسان و مشیت الهی مطرح شده‌اند. آیه ۲۹ سوره تکویر ﴿وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾، از جمله آیاتی است که به سبب ظرفیت‌های تفسیری خود، زمینه برداشت‌های متفاوتی را در این زمینه فراهم کرده است. برخی مفسران، از جمله ثعلبی، میبدی و فخر رازی، با تأکید بر وابستگی اراده انسان به مشیت الهی، تفسیری ارائه کرده‌اند که در برخی تقریرها، به برداشت‌های جبرگرایانه نزدیک می‌شود. در مقابل، تحلیل دقیق دلالت آیه، سیاق آن و مجموعه آموزه‌های قرآنی درباره اختیار و مسئولیت انسان، نشان می‌دهد که مفاد آیه را می‌توان ناظر به نفی استقلال انسان از خداوند، بدون نفی اختیار و مسئولیت او دانست. پژوهش حاضر، با روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر آیات قرآن، روایات تفسیری و بررسی دیدگاه‌های تفسیری ثعلبی، میبدی و فخر رازی، به تحلیل انتقادی برداشت‌های تفسیری پیرامون این آیه می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که روایات تفسیری ذیل آیه، در اصل بر وابستگی اراده انسان به مشیت الهی و نفی تفویض دلالت دارند، اما تبدیل این معنا به نفی اختیار انسانی، نیازمند استدلال افزون‌تری است. بر اساس نظریه «امر بین الأمرین»، اراده انسان، در طول اراده الهی و در چارچوب مشیت او تحقق می‌یابد؛ از این رو، انسان در افعال خود، مختار و مسئول است؛ در عین آنکه قدرت و اختیار او، وابسته به فیض و اراده الهی است.

واژگان کلیدی: تکویر/ ۲۹، مشیت، خواست انسان، جبر و اختیار، روایات تفسیری.

استناد: رزاقی هریکندهئی، هادی (۱۴۰۵). «نقد و بررسی آراء فخر رازی، ثعلبی و میبدی درباره آیه تعلق خواست انسان به مشیت الهی (تکویر: ۲۹) بر اساس روایات تفسیری». قرآن پژوهی رزاقی، ۲ (۲)، ۷۵-۸۹.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۲/۰۵؛ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۲/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۰۳.

۱. دانشیار و عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی، دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل، بابل، ایران. رایانامه: Razaghi@nit.ac.ir.



۱- بیان مسئله

مسئله نسبت اراده انسان با مشیت الهی، از دیرپاترین و مناقشه برانگیزترین مباحث کلامی و تفسیری در سنت اسلامی است. یکی از مهم ترین مستندات قرآنی این بحث، آیه ۲۹ سوره تکویر است: ﴿وَمَا تَشَاؤُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾. ظرفیت معنایی این آیه، موجب شکل گیری قرائت های تفسیری متفاوتی درباره حدود اختیار انسان و چگونگی تأثیر اراده الهی در افعال بشری شده است.

در یک سوی این طیف، برخی مفسران با تکیه بر ظاهر آیه، اراده انسان را کاملاً وابسته به مشیت الهی دانسته و آن را مؤید دیدگاه جبر تلقی کرده اند. در این میان، تفسیرهای منقول از ثعلبی، میبدی و فخر رازی، از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ زیرا این مفسران، با استناد به برخی روایات و شواهد تفسیری، آیه را ناظر به حاکمیت مطلق مشیت الهی بر اراده انسان دانسته اند (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۰، ص ۱۴۴؛ میبدی، ۱۳۷۱، ج ۱۰، ص ۴۰۰؛ رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰، ص ۷۶۲).

در سوی دیگر، بسیاری از مفسران اهل سنت، ضمن پذیرش شمول و احاطه اراده الهی، این آیه را ناسازگار با اختیار و مسئولیت انسان ندانسته و بر طولی بودن رابطه اراده الهی و اراده انسان تأکید کرده اند (طبری، ۱۴۰۸ق، ج ۳۰، ص ۵۴؛ مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۴، ص ۵۳۷؛ آلوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۱۸۵؛ ابن عاشور، ۱۴۱۷ق، ج ۳۰، ص ۳۸۵).

در میراث تفسیری شیعه، تبیین این آیه، غالباً با بهره گیری از روایات اهل بیت (علیهم السلام) و در چارچوب نظریه «امر بین الامرین» صورت گرفته است (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰، ص ۲۸۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۳۴۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰، ص ۳۶). بر اساس این دیدگاه، انسان در افعال خویش، دارای اختیار و مسئولیت است، اما این اختیار، در طول اراده الهی تحقق می یابد و استقلال از آن ندارد. از این رو، نه جبر می تواند تبیین کننده همه ابعاد رفتار انسانی باشد و نه تفویض؛ بلکه تفسیر صحیح آیه در پرتو جمع میان حاکمیت مشیت الهی و اختیار انسان، قابل دستیابی است.

پرسش اصلی پژوهش حاضر، آن است که آیه ۲۹ سوره تکویر از منظر روایات تفسیری و دیدگاه ثعلبی، میبدی و فخر رازی، چه دلالتی بر رابطه اراده الهی و اراده انسان دارد و تفسیرهای جبرگرایانه ارائه شده از سوی برخی مفسران، تا چه اندازه با شواهد قرآنی و روایی سازگار است؟ بر این اساس، پژوهش حاضر، با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با تأکید بر روایات تفسیری، به بررسی و نقد دیدگاه ثعلبی، میبدی و فخر رازی در تفسیر این آیه می پردازد. لازم به ذکر است این پژوهش، صرفاً بر اساس نظرات کتب تفسیری مفسران ذکر شده، تدوین گردیده و ارتباطی با مسائل کلامی ندارد.

۲- پیشینه تحقیق

بررسی منابع موجود، نشان می دهد که درباره آیه ﴿وَمَا تَشَاؤُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ﴾ مطالعات متعددی در قالب آثار تفسیری و کلامی انجام شده است؛ با این حال، پژوهشی مستقل که به طور خاص به تحلیل تطبیقی و نقد دیدگاه های ثعلبی، میبدی و فخر رازی درباره آیه ۲۹ سوره تکویر با تکیه بر روایات تفسیری بپردازد،

مشاهده نشد. از جمله پژوهش‌های مرتبط، می‌توان به مقاله «بررسی سیر اندیشه مفسران در تفسیر آیه ﴿وَمَا تَشَاؤُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ﴾» نوشته احمد ترابی و علی نصیری اشاره کرد. این پژوهش، روند تاریخی دیدگاه‌های تفسیری درباره آیه مشابه در سورة انسان را بررسی کرده و به گزارش آرای مفسران فریقین پرداخته است؛ با این حال، تمرکز آن بر نقد و ارزیابی دیدگاه‌های جبرگرایانه و تحلیل روایات تفسیری مرتبط با آیه مورد بحث نیست.

همچنین مقاله «بررسی تطبیقی رابطه مشیت و اراده الهی در تفسیر کبیر و المیزان» اثر محمدتقی رفعت‌نژاد و رحمت‌الله عبدالله‌زاده، به مقایسه دیدگاه دو مفسر، درباره مفهوم اراده و مشیت الهی پرداخته است؛ اما محور اصلی آن، آیه ﴿إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾ (یس: ۸۲) است و به بررسی تفصیلی آیه ۲۹ سورة تکویر و نقد آرای ثعلبی، مبدی و فخر رازی نمی‌پردازد. بر این اساس، نوآوری پژوهش حاضر، در تحلیل انتقادی دیدگاه‌های تفسیری یادشده، با تکیه بر روایات تفسیری و ارزیابی میزان سازگاری آن‌ها با مبانی قرآنی و آموزه «امر بین الامرین» است.

۳- مفهوم‌شناسی مشیت و اراده

از آنجا که محور اصلی آیه ۲۹ سورة تکویر بر مفهوم «مشیت» استوار است، تبیین معنای لغوی و اصطلاحی این واژه در فهم مراد آیه نقش اساسی دارد.

«مشیت» از ماده «شیء» و مصدر «شاء، یشاء» است که در لغت، به «اراده» معنا شده و در اصطلاح، به معنای تمایل یافتن به سوی چیزی است؛ به گونه‌ای که به طلب آن منجر شود. از آنجا که این لفظ نزد متکلمان، از الفاظ مشترک میان خدا و خلق است، راغب آن را به «ایجاد کردن شیء» و «اصابت کردن» معنا کرده است؛ بدین معنا که مشیت درباره خداوند، به معنای «ایجاد» و «وجود شیء» و درباره انسان، به معنای «اصابت» است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ص ۲۷۱؛ ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۰۳). همچنین، توجه به شیء، تصور آن و تمایل و رغبت به آن، از مراحل تحقق مشیت در انسان دانسته شده و پس از آن، مرحله تصمیم و اراده قرار می‌گیرد؛ اما تحقق مشیت درباره خداوند، به دلیل علم حضوری او، نیازمند این مراحل نیست (مصطفوی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۱۵۴).

واژه «مشیت» به صورت صریح در قرآن کریم به کار نرفته است، اما مشتقات آن، مانند «شاء»، «یشاء»، «یشاء» و «یشاء»، بیش از دویست بار درباره خداوند و انسان استفاده شده‌اند. افزون بر این، در روایات متعددی، مفهوم مشیت گاه مترادف با واژه‌هایی مانند «ابداع» و «اراده» و گاه متمایز از آن‌ها به کار رفته است. هرچند در بسیاری از متون کلامی و تفسیری، «مشیت» و «اراده» مترادف انگاشته شده‌اند، برخی از اندیشمندان میان این دو مفهوم تفاوت قائل شده‌اند (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۵۸؛ طباطبایی، ۱۴۰۰، ص ۱۶۸؛ ملاصدرا، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۳۱۷؛ تفتازانی، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۲۸). بر اساس این دیدگاه، اراده به مرحله تعلق خواست به فعل بازمی‌گردد، در حالی که مشیت ناظر به مرحله تحقق و ایجاد خارجی آن است.

در مباحث کلامی نیز مشیت الهی از دو منظر تکوینی و تشریعی بررسی شده است. مشیت تکوینی به اراده نافذ الهی در نظام آفرینش مربوط است؛ اراده‌ای که هیچ موجودی از قلمرو آن خارج نیست. در مقابل، مشیت تشریعی به خواست خداوند در حوزه هدایت، تکلیف و قانون‌گذاری باز می‌گردد. عدم تفکیک میان این دو ساحت، یکی از عوامل اصلی پیدایش برداشت‌های افراطی در مسئله جبر و اختیار به شمار می‌رود. بر این اساس، بسیاری از مفسران معتقدند آیه «وَمَا تَشَاؤُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ» در مقام بیان احاطه مشیت تکوینی الهی است، نه نفی اختیار و مسئولیت انسان در قلمرو تکلیف.

۴- شأن نزول آیه

آیات پایانی سوره تکویر در تبیین جایگاه قرآن به عنوان کتاب هدایت و نقش اراده انسان در بهره‌مندی از آن نازل شده‌اند. خداوند در آیات ۲۷ و ۲۸ می‌فرماید: «إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ * لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ»؛ بدین معنا که قرآن تذکر و مایه هدایت برای جهانیان است و کسانی از آن بهره می‌برند که خواهان پیمودن راه راست باشند. تأکید آیه بر خواست و اراده انسان، نقش انتخاب آگاهانه را در فرایند هدایت برجسته می‌سازد. در ادامه، آیه ۲۹ سوره تکویر می‌فرماید: «وَمَا تَشَاؤُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ». این آیه، ضمن تأکید بر نقش اراده انسان، حاکمیت و شمول مشیت الهی را نیز یادآور می‌شود و از این رو، در شمار آیاتی قرار گرفته است که در مباحث مربوط به نسبت اراده انسان و اراده الهی مورد توجه مفسران و متکلمان قرار گرفته‌اند.

در منابع تفسیری اهل سنت، روایاتی در شأن نزول این آیه نقل شده است. بر پایه یکی از گزارش‌های مشهور، هنگامی که آیه «لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ» نازل شد، ابوجهل آن را مؤید استقلال اراده انسان پنداشت و اظهار کرد که اختیار انسان به طور کامل در دست خود اوست. در پی این برداشت، آیه «وَمَا تَشَاؤُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ» نازل شد تا نشان دهد اراده انسان، خارج از قلمرو مشیت الهی نیست و در چارچوب اراده و حاکمیت خداوند تحقق می‌یابد (طبری، ۱۴۰۸ق، ج ۳۰، ص ۵۴؛ قرطبی، ۱۳۸۴ق، ج ۲۰، ص ۲۴۴؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۳۲۲؛ آلوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۲۶۶؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۰، ص ۱۴۴).

برخی مفسران شیعه نیز ضمن گزارش اقوال تفسیری، به این شأن نزول اشاره کرده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۶، ص ۲۰۵؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۳۰، ص ۱۸۲). با این حال، درباره میزان اعتبار این گزارش و دلالت آن بر مسئله جبر و اختیار، دیدگاه‌های متفاوتی در میان مفسران وجود دارد و همین امر، زمینه‌ساز شکل‌گیری قرائت‌های گوناگون از آیه شده است.

۵- جایگاه آیه ۲۹ سوره تکویر در منظومه آیات اراده و مشیت

یکی از نکات مهم در فهم آیه «وَمَا تَشَاؤُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ»، توجه به منظومه آیات مرتبط با اراده انسان و مشیت الهی در قرآن کریم است. بررسی آیات قرآن نشان می‌دهد که هیچ‌یک از آیات مربوط

به مشیت الهی را نمی‌توان مستقل از سایر آیات ناظر به اختیار و مسئولیت انسان تفسیر کرد. از همین رو، مفسران در تبیین این آیه، ناگزیر از جمع میان دو دسته از آیات بوده‌اند: دسته نخست، آیاتی که بر اختیار، انتخاب و مسئولیت انسان دلالت دارند و دسته دوم، آیاتی که بر حاکمیت و شمول اراده الهی تأکید می‌کنند. در دسته نخست، آیاتی قرار دارند که اراده و انتخاب را به صراحت به انسان نسبت می‌دهند. از جمله خداوند می‌فرماید: «فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ» (کهف: ۲۹)؛ هر کس بخواهد ایمان بیاورد و هر کس بخواهد کفر ورزد. همچنین در آیه «إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِنَّمَا شَاكَرُوا وَإِنَّمَا كَفَرُوا» (انسان: ۳)، انسان موجودی معرفی شده است که پس از دریافت هدایت الهی، توان انتخاب میان شکر و کفر را دارد. افزون بر این، آیات متعددی انسان را در برابر اعمال خود مسئول دانسته و ثواب و عقاب را بر پایه انتخاب‌های او سامان داده‌اند. در مقابل، دسته‌ای دیگر از آیات، بر شمول اراده و مشیت الهی تأکید می‌کنند. از جمله در آیه ۳۰ سوره انسان آمده است: «وَمَا تَشَاؤُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا». شباهت لفظی و محتوایی این آیه با آیه ۲۹ سوره تکویر نشان می‌دهد که مقصود قرآن، نفی اراده انسان نیست، بلکه تبیین جایگاه اراده او در نظام هستی است؛ نظامی که در آن، هیچ پدیده‌ای از قلمرو قدرت و مشیت الهی خارج نیست. بر این اساس، تفسیر صحیح آیه، زمانی به دست می‌آید که هر دو دسته آیات، به صورت یک منظومه واحد دیده شوند. اگر تنها بر آیات دسته نخست تکیه شود، زمینه برای برداشت‌های تفویض‌گرایانه فراهم می‌شود و اگر تنها آیات دسته دوم مورد توجه قرار گیرد، احتمال گرایش به جبر افزایش می‌یابد. از این رو، بسیاری از مفسران (آلوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۱۸۵؛ ابن عاشور، ۱۴۱۷ق، ج ۳۰، ص ۳۸۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۳۴۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰، ص ۳۶) کوشیده‌اند با جمع میان این دو دسته آیات، تصویری هماهنگ از رابطه اراده انسان و مشیت الهی ارائه دهند؛ تصویری که نه به نفی قدرت خداوند بینجامد و نه اختیار و مسئولیت انسان را مخدوش سازد.

۶- اقوال مفسران در تفسیر آیه «وَمَا تَشَاؤُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ»

آیه ۲۹ سوره تکویر، از جمله آیاتی است که در تبیین نسبت اراده انسان و مشیت الهی، محل توجه مفسران و متکلمان قرار گرفته است. خداوند در این آیه می‌فرماید: «وَمَا تَشَاؤُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ». برداشت‌های متفاوت از مفاد این آیه، زمینه‌ساز شکل‌گیری دیدگاه‌های گوناگونی در مسئله جبر و اختیار شده است. برخی مفسران (تعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۰، ص ۱۴۴؛ مبدی، ۱۳۷۱، ج ۱۰، ص ۴۰۰؛ رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰، ص ۷۶۲) با تکیه بر ظاهر آیه، آن را ناظر به وابستگی کامل اراده انسان به مشیت الهی دانسته و از آن تفسیری جبرگرایانه ارائه کرده‌اند. در مقابل، بسیاری از مفسران شیعه و اهل سنت با استناد به آیات دیگر قرآن و روایات تفسیری، آیه را بیانگر حاکمیت و شمول اراده الهی دانسته‌اند، بی‌آنکه آن را مستلزم نفی اختیار انسان تلقی کنند (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰، ص ۲۸۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۳۴۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰، ص ۳۶؛ طبری، ۱۴۰۸ق، ج ۳۰، ص ۵۴؛ مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۴، ص ۵۳۷؛ آلوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۱۸۵؛ ابن عاشور، ۱۴۱۷ق، ج ۳۰، ص ۳۸۵).

۷- روایات تفسیری ذیل آیه «وَمَا تَشَاؤُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ» و تحلیل دلالتی آن‌ها

چنان‌که گذشت، آیه «وَمَا تَشَاؤُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ» (تکویر: ۲۹) از جمله آیاتی است که در منابع تفسیری، گزارش‌های روایی متعددی ذیل آن نقل شده است. بررسی این روایات نشان می‌دهد که محور اصلی این گزارش‌ها، تبیین رابطه میان مشیت الهی و اراده انسانی است؛ به گونه‌ای که برخی از آنها در مقام نفی استقلال انسان از خداوند و برخی در مقام تبیین وابستگی وجودی انسان به مشیت الهی وارد شده‌اند.

طبری ذیل این آیه، روایتی از ابن عباس نقل می‌کند که پس از نزول آیه «لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ»، ابو جهل چنین برداشت کرد که اختیار استقامت به طور کامل در دست انسان است؛ از این رو، آیه «وَمَا تَشَاؤُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ» نازل شد (طبری، ۱۴۰۸ق، ج ۳۰، ص ۵۴).

ثعلبی نیز در الکشف و البیان، روایتی با همین مضمون نقل می‌کند: «لما أنزل الله سبحانه و تعالى: لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ قال أبو جهل بن هشام: ذاك إلينا إن شئنا استقمنا و إن شئنا لم نستقم، فأنزل الله سبحانه و مَا تَشَاؤُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ» (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۰، ص ۱۴۴). وی همچنین از ابوهریره نقل می‌کند: «لما أنزل الله سبحانه على رسوله: لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ قالوا: الأمر إلينا إن شئنا استقمنا و إن شئنا لم نستقم فأنزل الله سبحانه و تعالى: «وَمَا تَشَاؤُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ» (همان). افزون بر این، ثعلبی قول حسن بصری را نیز نقل می‌کند: «والله ما شاءت العرب الإسلام حتى شاء الله لها» (همان). همچنین از وهب بن منبه نقل شده است: «الكتب التي أنزلها الله سبحانه على الأنبياء... وجدت فيها: من جعل لنفسه شيئاً من المشيئة فقد كفر» (همان). در ادامه، واسطی در تبیین این آیه می‌گوید: «فلا تشاء إلا مشيئته و لا تعمل إلا بقوته و لا تطيع إلا بفضله و لا تعصي إلا بخذلانه» (همان).

تحلیل دلالتی این روایات نشان می‌دهد که همه این گزارش‌ها در یک سطح قرار ندارند. روایت‌های نخست، بیشتر ناظر به نفی برداشت تفویضی از آیه هستند؛ یعنی این دیدگاه که انسان در اراده و فعل خویش، مستقل از مشیت الهی است. اما گزارش‌هایی مانند سخن وهب بن منبه و واسطی، صبغه کلامی و عرفانی بیشتری دارند و بر فقر وجودی انسان و وابستگی او به خداوند تأکید می‌کنند.

بنابراین، مفاد این روایات را نمی‌توان به صورت مستقیم مساوی با پذیرش جبر دانست؛ زیرا نفی استقلال انسان از خداوند، با اثبات اختیار و مسئولیت انسانی منافاتی ندارد. از سوی دیگر، اگر این تعبیر به معنای نفی هرگونه اراده و فاعلیت انسانی تفسیر شود، با آیاتی که انسان را مخاطب تکلیف و مسئول اعمال خویش معرفی می‌کنند، ناسازگار خواهد بود.

۷-۱- بررسی دیدگاه مفسران؛ ثعلبی، میبدي و فخر رازی

شایان توجه است که ثعلبی، میبدي و فخر رازی از حیث مبانی کلامی، گرایش‌های اعتقادی و روش تفسیری در یک سطح قرار ندارند و نمی‌توان آنان را نمایندگان یک جریان واحد تفسیری دانست. از این رو، مقصود این پژوهش از به کارگیری تعبیر «گرایش جبرگرایانه» در بررسی آرای این مفسران، انتساب همه لوازم و مبانی مکتب جبر به آنان نیست؛ بلکه مراد، آن است که در تفسیر آیه مورد بحث، برخی عبارات و تقریرهای

آنان، به گونه ای است که وابستگی اراده انسان به مشیت الهی را به شکلی تفسیر می کند که می تواند زمینه ساز قرائت های نزدیک به جبر گردد. از همین رو، آرای آنان در این پژوهش، از این جهت مورد بررسی و نقد قرار گرفته است.

بررسی تفاسیر اهل سنت در ذیل آیه «وَمَا تَشَاؤُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ» نشان می دهد که مفسران در تفسیر این آیه، دو رویکرد عمده اتخاذ کرده اند.

نخست، دیدگاهی که آیه را ناظر به حاکمیت و شمول اراده الهی می داند، بدون آنکه از آن، نفی اختیار انسان را نتیجه بگیرد. بر اساس این دیدگاه، اراده الهی و اراده انسان در عرض یکدیگر قرار ندارند، بلکه رابطه طولی میان آن دو برقرار است؛ بدین معنا که اراده انسان در چارچوب اراده و مشیت الهی تحقق می یابد. از این رو، پذیرش عمومیت مشیت الهی، مستلزم پذیرش جبر نیست و اصل اختیار و مسئولیت انسان، همچنان محفوظ می ماند (طبری، ۱۴۰۸ق، ج ۳۰، ص ۵۴؛ مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۴، ص ۵۳۷؛ آلوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۱۸۵؛ ابن عاشور، ۱۴۱۷ق، ج ۳۰، ص ۳۸۵).

در مقابل، برخی مفسران، از جمله ثعلبی، ميبدي و فخر رازی، با تکیه بر ظاهر آیه و برخی گزارش های روایی، تفسیری ارائه کرده اند که از منظر نگارنده، گرایش بیشتری به جبر دارد. این مفسران، بر وابستگی کامل اراده انسان به مشیت الهی تأکید کرده اند و از همین رو، دیدگاه آنان نیازمند بررسی و ارزیابی انتقادی است.

۲-۷- دیدگاه ثعلبی در الکشف و البیان

بنابر آنچه گذشت، ثعلبی در تفسیر الکشف و البیان، ذیل آیه «وَمَا تَشَاؤُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ» (تکوير: ۲۹)، با توجه به مجموعه گزارش های روایی و تفسیری، بر وابستگی کامل اراده انسان به مشیت الهی تأکید می کند. از نگاه وی، اراده انسان در تحقق افعال خویش، مستقل و بی نیاز از اراده خداوند نیست؛ بلکه اصل توانایی خواستن و انجام دادن نیز در چارچوب مشیت و تقدیر الهی تحقق می یابد. بر اساس تقریر ثعلبی، آیه درصدد بیان این حقیقت است که انسان، اگرچه دارای قصد و اراده است، اما این اراده در طول اراده الهی قرار دارد و هیچ فعل انسانی خارج از قلمرو مشیت خداوند تحقق نمی یابد. از این رو، وی با استناد به گزارش های تفسیری ذیل آیه، هرگونه برداشت تفویضی را که انسان را در افعال خود مستقل از خداوند بدانند، مردود می شمارد؛ ولی جبر را نیز اثبات نمی کند.

در این نگاه، تأکید ثعلبی بر حاکمیت مشیت الهی، ناظر به نفی استقلال انسان در برابر خداوند است؛ به این معنا که انسان، مالک حقیقی فعل خویش نیست و قدرت و اراده او، وابسته به افاضه الهی است. با این حال، نحوه تقریر این مبنا در برخی تعبیر نقل شده از ثعلبی، به ویژه در گزارش هایی که بر سلب هرگونه مشیت از انسان تأکید دارند، ممکن است این پرسش را ایجاد کند که جایگاه اختیار و مسئولیت انسانی چگونه تبیین می شود.

۱-۲-۷- نقد و بررسی

در نقد دیدگاه ثعلبی، نکات زیر قابل توجه است:

۱. روایات مورد استناد وی از حیث سندی با اشکالات جدی مواجه‌اند. از جمله، ثعلبی روایتی را از ابوهریره نقل کرده است؛ درحالی‌که برخی از عالمان رجال و حدیث، وی را به کثرت نقل و حتی جعل حدیث متهم کرده‌اند (ابن قتیبه، ۱۴۰۶ق، ص ۲۷؛ ذهبی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۶۰۸؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۳، ص ۳۸۴؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۳۴۰؛ متقی هندی، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۲۳۹). افزون بر این، روایت منقول از وهب‌بن منبه نیز روایتی مقطوع است و به معصوم علیه السلام منتهی نمی‌شود. برخی از راویان موجود در سلسله سند آن نیز مجهول یا مورد خدشه‌اند. برای نمونه، «ابراهیم بن الحجاج الشامی» که در سند روایت یادشده قرار دارد، نزد رجالیان فردی ناشناخته شمرده شده و برخی از روایات او، غیرقابل اعتماد ارزیابی شده است (ذهبی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۶).

۲. گزارش و تفسیر ثعلبی نشان می‌دهد که فضای مناظرات کلامی و غلبه اندیشه اشعری در بخش مهمی از محیط فکری اهل سنت، در نحوه فهم این آیه تأثیرگذار بوده است. به نظر می‌رسد برخی گزارش‌های تفسیری که در آغاز صرفاً جنبه نقل روایت داشتند، به تدریج در پرتو این فضای کلامی، به سمت قرائت‌های جبرگرایانه سوق یافته‌اند. در همین چارچوب، وهب‌بن منبه مدعی می‌شود که در ده‌ها کتاب منسوب به پیامبران پیشین، مضمون «مَنْ جَعَلَ لِنَفْسِهِ شَيْئًا مِنَ الْمَشِيشَةِ فَقَدْ كَفَرَ» را مشاهده کرده است. صرف‌نظر از دشواری پذیرش چنین ادعایی از نظر تاریخی، محتوای این گزاره نیز با ظاهر آیات قرآن سازگار به نظر نمی‌رسد؛ زیرا قرآن کریم در موارد متعدد، اصل مشیت و اراده را برای انسان اثبات کرده است، هرچند تحقق آن را در طول مشیت الهی و وابسته به اراده خداوند دانسته است. از این رو، نفی مطلق مشیت انسان، نه تنها با سیاق آیه مورد بحث، بلکه با مجموعه آموزه‌های قرآنی درباره اختیار و مسئولیت انسان نیز سازگاری ندارد. دیدگاه ثعلبی در تفسیر آیه «وَمَا تَشَاؤُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ» بر نکته‌ای صحیح، یعنی وابستگی اراده انسان به مشیت الهی، تأکید دارد؛ زیرا بر اساس مبانی توحیدی، هیچ فاعلی مستقل از اراده و قدرت خداوند نیست. با این حال، اشکال اصلی در نحوه تقریر این دیدگاه است؛ زیرا تأکید بیش‌ازحد بر نفی استقلال انسان، در برخی تعبیر، به گونه‌ای بیان شده که مرز میان «نفی تفویض» و «نفی اختیار» را کم‌رنگ می‌سازد.

درحالی‌که آیات متعدد قرآن کریم، انسان را موجودی مختار و مسئول معرفی می‌کنند. آیاتی از قرآن، نشان می‌دهد که برای انسان نوعی اراده و قدرت انتخاب در نظر گرفته شده است (کهف: ۲۹؛ انسان: ۳). بنابراین، آیه «وَمَا تَشَاؤُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ» را نمی‌توان به گونه‌ای تفسیر کرد که اصل مشیت و انتخاب انسانی را نفی کند؛ بلکه مفاد آن، قرار گرفتن اراده انسان در طول مشیت الهی است.

همچنین، برخی گزارش‌هایی که ثعلبی در تفسیر خود نقل کرده است، مانند سخن وهب‌بن منبه یا بیان واسطی، بیش از آنکه در مقام تبیین دقیق رابطه کلامی جبر و اختیار باشند، ناظر به بیان وابستگی وجودی

انسان و نفی خودبنیادی او در برابر خداوند هستند. از این رو، استفاده از این تعبیر برای اثبات نفی فاعلیت انسانی، نیازمند دلیل افزون‌تری است. بر این اساس، دیدگاه ثعلبی در بخش نفی استقلال انسان از خداوند قابل پذیرش است؛ اما اگر از این مبنا نتیجه گرفته شود که انسان در افعال خویش فاقد اراده و اختیار است، با مجموعه آموزه‌های قرآنی درباره تکلیف، مسئولیت و استحقاق پاداش و کیفر سازگار نخواهد بود. تفسیر متوازن آیه، آن است که اراده انسان واقعی است، اما این اراده در نظام مشیت الهی و در طول اراده خداوند تحقق می‌یابد.

۷-۳- دیدگاه میبدی در کشف الأسرار و عدة الأبرار

میبدی در تفسیر آیه «وَمَا تَشَاؤُنْ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ» بر این نکته تأکید می‌کند که هدایت، توفیق و ایمان انسان در نهایت وابسته به اراده و مشیت الهی است. وی بر اساس تقریر خود از آیه، بیان می‌کند که انسان خواهان هدایت و استقامت نمی‌شود، مگر آنکه خداوند زمینه و توفیق آن را برای او فراهم سازد؛ از این رو، خواست و فعل انسان در چارچوب مشیت الهی تحقق می‌یابد (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۱۰، ص ۴۰۰). با توجه به رویکرد تفسیری میبدی، این وابستگی به معنای نفی مطلق اراده انسانی نیست؛ بلکه در چارچوب نگاه عرفانی وی، ناظر به فقر وجودی انسان و نیاز دائمی او به فیض و عنایت الهی است. با این حال، برخی از تعبیر او در تبیین رابطه میان مشیت الهی و فعل انسانی، نیازمند بررسی است؛ زیرا ممکن است در صورت حمل بر ظاهر، به کاهش نقش اختیار انسانی منجر شود.

۷-۳-۱- نقد و بررسی

نخست آنکه بخشی از مستندات روایی مورد استناد میبدی، از منظر اعتبار حدیثی با چالش‌هایی مواجه است. برخی از این گزارش‌ها، به صورت مرسل یا مقطوع نقل شده‌اند یا در سلسله اسناد آن‌ها راویانی وجود دارند که درباره وثاقت آنان دیدگاه‌های متفاوتی مطرح شده است. از این رو، بهره‌گیری از این روایات در تبیین یک مسئله کلامی، مانند نسبت مشیت الهی و اختیار انسانی، نیازمند توجه هم‌زمان به اعتبار سندی و دلالت آن‌هاست.

دوم آنکه اگر از برخی تعبیر میبدی، برداشت نفی اختیار انسانی شود، این برداشت با مجموعه آیاتی از قرآن درباره مسئولیت و انتخاب انسان، نیازمند تبیین خواهد بود. آیاتی همچون «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ» (مدثر: ۳۸)، «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا» (شمس: ۹)، «إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا» (یونس: ۴۴) و «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (انسان: ۳) نشان می‌دهد که انسان در قبال انتخاب و عمل خویش دارای مسئولیت است.

بر این اساس، آیه «وَمَا تَشَاؤُنْ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ» را باید به گونه‌ای تفسیر کرد که ضمن پذیرش حاکمیت مشیت الهی، جایگاه اراده و اختیار انسانی نیز محفوظ بماند. به نظر می‌رسد رویکرد عرفانی میبدی، که بر فقر وجودی انسان و وابستگی کامل او به خداوند تأکید دارد، اگر بدون توجه به مجموعه آیات اختیار مورد

تحلیل قرار گیرد، می‌تواند به قرآنی یک‌سویه از آیه بینجامد. از این رو، تفسیر میبیدی نیازمند تکمیل با نگاه جامع‌تر قرآن به رابطه میان مشیت الهی و مسئولیت انسانی است.

۴-۷- دیدگاه فخر رازی در مفاتیح الغیب

فخر رازی در تفسیر آیه «وَمَا تَشَاؤُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ» به بررسی نسبت میان مشیت الهی و اراده انسان پرداخته و این آیه را از جمله آیات مورد استناد در مسئله جبر و اختیار می‌داند. وی در تبیین دلالت آیه می‌نویسد که مشیت انسان وابسته به مشیت الهی است؛ زیرا فعل انسان متوقف بر اراده اوست و اراده انسان نیز متوقف بر ایجاد و مشیت خداوند است؛ بنابراین، در نهایت، افعال انسان به مشیت الهی بازمی‌گردد (رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰، ص ۷۶۲).

وی تصریح می‌کند که فعل استقامت، متوقف بر اراده استقامت است و این اراده نیز هنگامی در انسان تحقق می‌یابد که خداوند آن را ایجاد کند؛ از این رو، افعال بندگان در مقام تحقق و عدم تحقق، خارج از قلمرو مشیت الهی نیست (همان، ج ۳۱، ص ۷). او همچنین این آیه را در کنار آیاتی مانند «فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ» (کهف: ۲۹) قرار داده و آن را عرصه اختلاف میان دو رویکرد جبرگرایانه و اختیارگرایانه می‌داند. به باور وی، اختیارگرایان به آیاتی که اراده را به انسان نسبت می‌دهند استناد می‌کنند، درحالی‌که جبرگرایان با تکیه بر آیه «وَمَا تَشَاؤُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ» بر تقدم مشیت الهی بر اراده انسان تأکید می‌ورزند (رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰، ص ۷۶۲). بنابر نگاه فخر رازی، آیات فوق نه بر جبر دلالت دارند و نه بر اختیار؛ و شاید بتوان گفت که وی به همان «امر بین الامرین» نظر دارد، اما به آن تصریح نکرده است.

۴-۷-۱- نقد و بررسی

نخست آنکه استدلال فخر رازی بر وابستگی اراده انسان به مشیت الهی، به‌خودی‌خود مستلزم نفی اختیار انسان نیست؛ زیرا وابستگی وجودی و تکوینی انسان به خداوند با فاعلیت اختیاری او منافاتی ندارد. بر اساس نظریه «امر بین الامرین»، اراده و اختیار انسان خود از شئون و مواهب الهی است و در عین وابستگی به خداوند، دارای نقش حقیقی در تحقق فعل انسانی است.

دوم آنکه در تقریر فخر رازی، میان وابستگی اراده انسان به مشیت الهی و ضرورت صدور فعل از انسان ملازمه برقرار شده است؛ درحالی‌که این ملازمه نیازمند اثبات است. خداوند می‌تواند فاعلی مختار بیافریند که فعل او، در عین وابستگی به قدرت و اراده الهی، از مسیر انتخاب و اختیار خودش تحقق یابد. بنابراین، تقدم رتبی و وجودی اراده الهی بر اراده انسان، لزوماً به جبر نمی‌انجامد (ر.ک: موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق، ص ۳۵-۳۶). افزون بر این، تحلیل فخر رازی بر مبنای بازگرداندن همه مقدمات فعل انسانی به اراده الهی، میان «علت وجودی» و «فاعل مختار» خلط ایجاد می‌کند؛ زیرا وابستگی انسان در اصل وجود، قدرت و توانایی به خداوند، به معنای آن نیست که فعل انسانی بدون واسطه قصد و انتخاب او تحقق یابد. انسان،

اگرچه فاعلی مستقل در برابر خداوند نیست، اما فاعلی مختار است که فعل او در طول اراده الهی و با اتکا به قدرت اعطایی خداوند تحقق می‌یابد (ملاصدرا، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۳۷۳-۳۷۸).

سوم آنکه برداشت جبرگرایانه از آیه، باید با مجموعه آياتی که بر مسئولیت و انتخاب انسان تأکید دارند، جمع شود. آياتی مانند «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ» (مدثر: ۳۸)، «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (انسان: ۳) و «إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا» (يونس: ۴۴) نشان می‌دهد که انسان در قبال انتخاب و عمل خویش دارای مسئولیت است. از این رو، آیه ۲۹ سورة تکویر باید به گونه‌ای تفسیر شود که ضمن حفظ حاکمیت مشیت الهی، جایگاه اختیار انسانی نیز محفوظ بماند. بر این اساس، هرچند تقریر فخر رازی از آیه، به دلیل تأکید شدید بر وابستگی اراده انسانی به مشیت الهی، ظرفیت برداشت جبرگرایانه دارد، اما می‌توان مفاد آیه را در چارچوب رابطه طولی میان اراده الهی و اراده انسانی نیز فهم کرد؛ به گونه‌ای که نه استقلال انسان از خداوند پذیرفته شود و نه اختیار و مسئولیت او نفی گردد.

۷-۵- تحلیل تطبیقی دیدگاه مفسران بر اساس روایات تفسیری

بررسی دیدگاه ثعلبی، ميبدي و فخر رازی، نشان می‌دهد که هر سه مفسر در تفسیر آیه «وَمَا تَشَاؤُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ» از روایات تفسیری موجود ذیل آیه بهره گرفته‌اند؛ با این حال، تفاوت اصلی آنان در نحوه فهم و چارچوب تفسیری‌ای است که برای تحلیل این روایات برگزیده‌اند.

ثعلبی با تکیه بر گزارش‌های روایی نقل شده ذیل آیه، بر نفی استقلال اراده انسان از مشیت الهی و رد برداشت تفویضی تأکید دارد. در نگاه او، مفاد اصلی این روایات، آن است که خواست انسان در طول اراده الهی تحقق می‌یابد و هیچ استقلالی در برابر مشیت خداوند ندارد.

ميبدي نیز از همین فضای روایی بهره گرفته، اما با رویکردی عرفانی، آیه را در چارچوب وابستگی وجودی انسان به خداوند تفسیر می‌کند. در تقریر او، هدایت، ایمان و انجام طاعت بدون توفیق الهی تحقق نمی‌یابد و انسان در همه شئون خود نیازمند فیض و عنایت خداوند است.

فخر رازی با رویکردی کلامی - برهانی، روایات و مفاد آیه را در چارچوب تحلیل رابطه علی میان مشیت الهی و اراده انسانی بررسی کرده است. وی با تأکید بر اینکه اراده انسان نیز در نهایت وابسته به ایجاد و مشیت الهی است، آیه را دلیلی بر تقدم مشیت خداوند بر خواست انسان می‌داند.

در مجموع، تفاوت میان این سه مفسر، نه در اصل پذیرش وابستگی انسان به خداوند، بلکه در شیوه تفسیر این وابستگی است. ثعلبی بیشتر بر دلالت روایی و نفی تفویض تأکید دارد، ميبدي آن را در قالب فقر وجودی و نگاه عرفانی تبیین می‌کند و فخر رازی آن را با مبانی کلامی و تحلیل عقلی توضیح می‌دهد.

با این حال، بررسی مجموع روایات تفسیری نشان می‌دهد که این گزارش‌ها در اصل، ناظر به نفی استقلال انسان در برابر خداوند هستند، نه لزوماً نفی اختیار و مسئولیت انسانی. از این رو، تفسیر صحیح این روایات، نیازمند جمع میان دو اصل اساسی است: حاکمیت مطلق مشیت الهی و اثبات فاعلیت اختیاری انسان.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی آیه ۲۹ سوره تکویر و تحلیل چگونگی فهم نسبت میان مشیت الهی و اراده انسان در پرتو روایات تفسیری و دیدگاه سه مفسر منتخب، یعنی ثعلبی، میبدی و فخر رازی، انجام گرفت. نتایج تحقیق نشان داد که آیه «وَمَا تَشَاؤُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ» از جمله آیاتی است که در طول تاریخ تفسیر، به دلیل ارتباط آن با مسئله جبر و اختیار، مورد توجه مفسران قرار گرفته و برداشت‌های متفاوتی از آن ارائه شده است.

بررسی روایات تفسیری ذیل این آیه نشان داد که این گزارش‌ها عمدتاً درصدد بیان وابستگی اراده انسان به مشیت الهی و نفی استقلال انسان در برابر خداوند هستند. با این حال، تحلیل دلالتی این روایات نشان می‌دهد که مفاد آنها لزوماً به معنای نفی اختیار و مسئولیت انسانی نیست؛ بلکه می‌توان آنها را در چارچوب نفی تفویض و اثبات حاکمیت مشیت الهی تفسیر کرد.

بررسی دیدگاه ثعلبی، میبدی و فخر رازی نشان داد که هر یک از این مفسران، با توجه به مبانی تفسیری و کلامی خود، برداشت متفاوتی از این روایات ارائه کرده‌اند. ثعلبی با تکیه بر گزارش‌های روایی، بیشتر بر نفی استقلال انسان از خداوند و رد تفویض تأکید دارد. میبدی این مضمون را در چارچوب نگاه عرفانی و با تأکید بر فقر وجودی انسان و نیاز او به توفیق الهی تبیین می‌کند. فخر رازی نیز با رویکردی کلامی - برهانی، وابستگی اراده انسان به مشیت الهی را از طریق تحلیل مقدمات فعل انسانی توضیح می‌دهد.

ارزیابی انتقادی این دیدگاه‌ها نشان داد که بخشی از مستندات روایی مورد استناد این مفسران از جهت سند یا دلالت با چالش‌هایی مواجه است. همچنین، برداشت جبرگرایانه از آیه با مجموعه آیات قرآن درباره اختیار، مسئولیت، تکلیف، پاداش و کیفر انسان نیازمند تبیین است؛ زیرا قرآن کریم در کنار تأکید بر حاکمیت مشیت الهی، انسان را موجودی مسئول و دارای قدرت انتخاب معرفی می‌کند.

بر پایه یافته‌های این پژوهش، آیه ۲۹ سوره تکویر نه مؤید جبر است و نه دال بر تفویض؛ بلکه بیانگر آن است که اراده انسان، در عین حقیقی بودن، مستقل از اراده الهی نیست و در طول مشیت خداوند تحقق می‌یابد. از این رو، تفسیر متوازن این آیه، مستلزم جمع میان حاکمیت مطلق مشیت الهی و حفظ جایگاه اختیار و مسئولیت انسان است؛ تفسیری که می‌تواند نسبت میان اراده الهی و فعل انسانی را در چارچوبی هماهنگ با مجموعه آموزه‌های قرآنی تبیین کند.

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. آلوسی، شهاب‌الدین سید محمود (۱۴۱۷ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: محمدحسین العرب، بیروت: دار الفکر.
۲. ابن ابی‌الحدید، عبد الحمید بن هبة الله (۱۴۱۸ق). شرح نهج البلاغة، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۳. ابن اثیر، عزالدین علی بن محمد (۱۳۸۵ق). الکامل فی التاریخ، بیروت: دار الصادر.
۴. ابن بابویه قمی، محمد بن علی (۱۳۸۰). عیون اخبار الرضا علیه السلام، ترجمه: علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامی.
۵. ابن عاشور، محمد بن طاهر (۱۴۱۷ق). التحریر و التنویر، تونس: دار بوسلامة للنشر و التوزیع.
۶. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (۱۴۰۶ق). تأویل مختلف الحديث، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸ق). لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۸. تفتازانی، سعدالدین (۱۴۱۲ق). شرح المقاصد، قم: الشریف الرضی.
۹. ثعلبی، ابواسحاق احمد (۱۴۲۲ق). الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، تحقیق: ابومحمد بن عاشور، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۰. ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۰۶ق). سیر أعلام النبلاء، بیروت: مؤسسة الرسالة.
۱۱. _____ (۱۴۰۷ق). میزان الاعتدال فی نقد الرجال، ترجمه: علی محمد البجاوی، بیروت: بی‌نا.
۱۲. رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۱ق). مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر)، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۶ق). مفردات ألفاظ القرآن، تحقیق: عدنان داوودی، بیروت: دار الشامیة.
۱۴. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن (۱۳۶۳). الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، تهران: امیرکبیر.
۱۵. صادقی تهرانی، محمد (۱۳۶۵). الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم: فرهنگ اسلامی.
۱۶. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۴۸). المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: محمد جواد حجتی کرمانی، قم: دار العلم.
۱۷. _____ (۱۴۰۰). نهاية الحکمة، قم: بوستان کتاب.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۶ق). مجمع البیان لعلوم القرآن، تحقیق: محلاتی، قم: اسوه.
۱۹. طبری، محمد بن جریر (۱۴۰۸ق). جامع البیان عن تأویل آی القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۰. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۲ق). التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۱. قرطبی، محمد بن احمد (۱۹۸۵). الجامع لأحكام القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸ق). الکافی، ترجمه: علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
۲۳. متقی هندی، علی بن حسام‌الدین (۱۴۰۵ق). کنز العمال، تحقیق: صفوة السقاء، بیروت: مؤسسة الرسالة.
۲۴. مصطفوی، حسن (۱۳۷۱). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۲۵. مفید، محمدبن محمدبن نعمان (۱۴۱۳ق). أوائل المقالات، قم: المؤتمر العالمی لألفية الشيخ المفید.
۲۶. مقاتل بن سلیمان، ابوالحسن (۱۴۲۳ق). تفسیر مقاتل، تحقیق: عبدالله محمود شحاته، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۰). تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
۲۸. ملاصدرا، محمدبن ابراهیم (۱۹۸۱). الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۹. موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۴۱۹ق). الطلب و الإرادة، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۳۰. میبدی، رشیدالدین ابوالفضل (۱۳۷۱). کشف الأسرار و عدة الأبرار، تهران: امیرکبیر.